

# عنوان مقاله: گرایش های سیاسی در جهان عرب (معرفی کتاب)

نویسنده: مجید خدوری

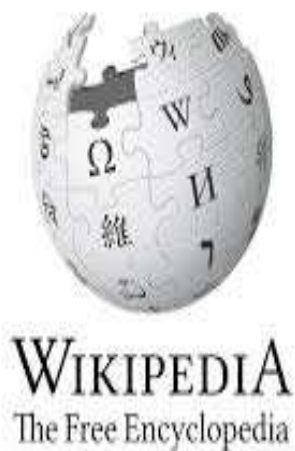
ترجمه عبدالرحمن عالم

منبع: سیاست خارجی ۱۳۶۶ شماره ۳ صص ۶۴۳-۶۵۰



مجید خدوری

## توضیح ویکیپدیا در مورد مجید خدوری



- مجید خدوری (زاده ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ در موصل - درگذشته ۲۵ ژانویه ۲۰۰۷ در پتوومک) محقق شرق شناس اهل عراق و استاد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جانز هاپکینز در آمریکا بود. او بنیانگذار Paul H. Nitze School of Advanced International Studies Middle East Studies می باشد و در سطح جهانی به عنوان یکی از برجسته ترین اساتید در زمینه برخی از موضوعات اسلامی، تاریخ مدرن و سیاست خاورمیانه مورد احترام بود. مجید خدوری بیش از ۳۵ کتاب، و مقالات زیادی، به انگلیسی و عربی نوشته است

• تاریخ در اواخر قرن هیجدهم به نوعی تکان و ضربه ی را از ناحیه غرب بر مسلمانان وارد کرد که خود قرن ها قبل، در دوران جنگ های صلیبی و پس از آن، بر مسیحیان وارد ساخته بودند. با این تفاوت که در آن هنگام مسلمانان نسبت به مسیحیان در اوج پیشرفت علمی و فرهنگی قرار داشته، آنها را وادار به شاگردی خود کردند. ولی در **اواخر قرن هیجدهم** این اروپای بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی بود که سوار بر اسب پیشرفت علمی و قدرت قاهر نظامی، به چهار سوی عالم می تاخت.

**اروپای بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی**

• اندیشمندان اصلاح طلب مسلمان با دیدن ایلغار استعماری اروپا و جریانی که به بی هویتی ملل شرق و از خود بیگانگی و تقلید صرف از غرب- و نه آموختن آنچه باید آموخت- منتهی می شد و پیش روی داشتن گذشته پرافتخار تمدن شکوفایی که تا اندلس و سیسیل را در شعاع نورانی خود قرار داده بود با اعتقاد و امید به آیندهف به چاره جویی پرداختند. بخشی از این تفکرات را باید در جهان عرب جویا شد.

اندیشمندان اصلاح طلب  
مسلمان



ورود فرانسویان به مصر

- اندیشه های سیاسی ملل عرب، در واقع از حمله ناپلئون به مصر (۱۷۹۸ میلادی)، شروع به تکوین و رشد نمود. تاثیری که حمله **ناپلئون** بر مصریان (به عنوان قومی عرب زبان و جزئی از امپراطوری عثمانی) داشت، همانا ایجاد احساسات ملی و آرزوی استقلال، آزادی و پیشرفت بود. ورود فرانسویان به مصر، منشا ورود اندیشه های جدید غربی به میان ملت مغلوب نیز شد. از آن هنگام که استعمارگران اروپایی به کشورهای عرب وارد شدند، خواست های میهن پرستانه رشد و گسترش یافت.

• اگر پیش از این دوره تاریخی، عرب ها تحت حاکمیت سیاسی ترکان عثمانی بودند، ولی به دلیل اشتراک دینی، با ایشان همزیستی داشتند. با شروع زوال و انحطاط امپراتوری عثمانی، توسعه قدرت و نفوذ استعمارگران اروپایی، رواج اندیشه های آزادیخواهانه غربی و لزوم انجام اصلاحات اجتماعی که پیش از پیش احساس می گردید، اندیشمندانی عرب و همچنین ترک به عرصه آمدند و هر یک برای رهایی از مسائل و معضلات جوامع خود به ارائه طریق پرداختند.

شروع زوال و انحطاط امپراتوری عثمانی،  
توسعه قدرت و نفوذ استعمارگران اروپایی

• در آن هنگام، برخی با اتکای به اصول اسلام‌یف تشویق به اصلاحات ضروری اجتماعی و تغییر در شیوه حاکمیت سیاسی و سازگار کردن آن با مقتضیات زمان، در جهت حفظ و بقای امپراتوری عثمانی بر سرزمین‌های خود، جنبش ناسیونالیسم عربی را پایه گذاشتند و از جانب دیگر ترکان جوان سیاست پان توارنیسم را علم کردند. استعمار انگلیس در جریان جنگ جهانی اول، از این تقابل و ستیزه جویی ترک و عرب بهره گرفت و با حمایت از ناسیونالیسم عرب، به دست رهبران قومی اعراب و با کمک و یاری عمال توطئه گر خود، قیامی را به راه انداخت که سرانجام آن تجربه امپراتوری عثمانی‌ف به بیراهه رفتن نهضت اعراب، طبقه استعمار و... بود

**جنبش ناسیونالیسم عربی**



• در این میان جریانی سربرآورد که نهضت اصلاح فکر دینی و بیدارگری و تجدید حیات جهان اسلام نام گرفت. این نهضت علی‌رغم شعب مختلف و متفاوتش، در آغاز هدفی واحد را پیش روی خود قرار داد که طبیعتاً مبارزه با استعمار بود. در ادامه با تفاوت شرایط اجتماعی و تاریخی، بیشتر با نظریات متفکران غربی و تاثیرپذیری از آنها و ... از این جریان فکری گرایش‌ها و جنبش‌های متفاوت و متعددی پدید آمد که هر یک راه خاص خود را در پیش گرفت.

## شعب مختلف و متفاوت

● باید توجه داشت که دلایل اساسی رشد نهضت بیدارگری اسلامی متعدد است، پیوند و ارتباط دین و سیاست در اسلام که نمود عینی آن را در اصول اعتقادی و احکام اسلامی می توان مشاهده کرد و همچنین نقش اصلی دین در حیات اجتماعی کشورهای مسلمان خاورمیانه را باید از جمله این دلایل دانست، احساس و دریافت خطر و تهدید استعمار سیاسی و فرهنگی غرب و تاثیر مخرب آن بر زندگی اجتماعی ملل مسلمان عاملی بود که بر تسریع در روند تحول فکری این نهضت تاثیر گذاشت.

• در اینجا قابل ذکر است که در شروع و رشد نهضت بیدارگری اسلامی، متفکران شیعی و به خصوص ایرانی- سهم مهمی را دارا هستند. در واقع نفی ظلم و حاکم غاصب و لزوم «**مشروعیت**» حکومت و همچنین آرمانخواهی شیعی که در طول قرون موجب حفظ یکپارچگی و اتحاد مذهبی آن بوده است، زمینه مستعدی را برای رشد و توسعه این نهضت ایجاد کرد. از این رو است که سید جمال الدین اسد ابادی به عنوان پیشگام این نهضت شناخته شده و همچنین دیگر متفکران شیعی و ایرانی در همین طریق قدم برداشته اند.

- شناخت و فهم تفکرات سیاسی دیگر جوامع (از جمله در مشرق زمین) و خصوصا مللی که با جامعه و تاریخ ایران دارای وجوه تشابه و اشتراک هستند (از جمله عرب ها) ضروری است. منظور از این مطالعه و شناخت، کسب اطلاع و درک علل رویدادها و تحولات آن جوامع و راه و روش هایی است که آنها در مقابل مسائل و معضلات خود ارائه کرده اند و به ویژه آموختن تجربه از نتایج آنها است.

وجوه تشابه و اشتراک

• کتاب «گرایش های سیاسی در جهان عرب» نوشته مجید خدوری، از جمله آثار جلب و سودمندی است که در این خصوص قابل استفاده است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۷۰ و توسط انتشارات دانشگاه جانز هاپکینس منتشر شده است و ترجمه فارسی آن، با توجه به اینکه تاکنون تنها آثار معدودی در مورد تفکرات سیاسی عرب به زبان فارسی منتشر شده که برخی از آنها ناقص، مخلوط و یا غیرمعتبرند، از ارزش خاصی برخوردار است. لازم به تذکر است که در گذشته، فصل هایی از این کتاب به طور پراکنده و ناقص و توأم با اشتباهاتی در ترجمه منتشر شده بود. در زیر معرفی اجمالی این اثر ارائه می شود.

• «گرایش های سیاسی در جهان عرب» شامل پیشگفتار و مقدمه مولف و ده فصل است. کتاب با این فرض آغاز می شود که جامعه مدنی اسلامی، که در طول قرن ها با ارزش های خاص خود بر جوامع عرب حاکم بوده، در شرایط نوین جهانی، دچار زوال گردیده است. در نتیجه، اصلاح طلبان عرب، برای چاره چویی، به تدوین و ارائه اندیشه ها و راه حل های خود می پردازند و در این میان، طیف وسیعی از تفکرات متفاوت پدید می آید که با یکدیگر در تنازع و رقابتند. خدوری جریان بحث های به میان آمده بین اصلاح طلبان عرب- به دنبال تماس با غرب- که همراه با برخوردهای تند و ...میان مکتب های فکری بوده است و تا به امروز ادامه دارد را «منازعه بزرگ» می نامد. وی موضوع متفکران عرب در قبایل غرب- از هنگام آغاز این «منازعه» تا امروز- را به سه مرحله قابل تقسیم می داند.

- در **مرحله اول** (از اواخر قرن هیجدهم تا پایان قرن نوزدهم میلادی) مسلمانان درگیر این مساله بودند که انجام اصلاحات باید از منابع عربی اقتباس شود یا از منابع اسلامی. در نتیجه در این مرحله می توان دو گروه فکری رقیب را تشخیص داد که هر یک بر اساس برداشت خود، به گونه ای سازش ناپذیر با طرف مقابل درگیر است. در **مرحله دوم** (پس از جنگ اول جهانی و در سال های میان دو جنگ جهانی)، اندیشه ها و مفاهیم غربی رخنه وسیعی می یابند.



• خدوری بر آن است که این رخنه زدایی، بدون «سنجش نقادانه» از تناسب آنها با محیط اجتماعی اعراب صورت گرفته است و در نهایت می تواند به پیشرفت مورد انتظار اصلاح طلبان تحقق بخشد و ناکام می ماند. عاقبت در **مرحله سوم** (از جنگ جهانی دوم تاکنون) ، وجه غالب و تلاش متفکران عرب در جذب برخی از اندیشه های وارداتی، با توجه به فرهنگ اسلامی و عربی جوامع خود است. خدوری اظهار می دارد که اگر چه این تجربه «از آغازی معتدل فراتر رفته» و نتیجه آن مورد تردید است، ولی اگر «با عقل و منطق و با دست های ماهره اداره شود، می تواند به نتایج مثبتی بینجامد.



- نویسنده در بحث از شیوه های انجام اصلاحات در جوامع عرب، **هشدار می دهد که در مقایسه با «پیشرفت مسالمت آمیز و تکاملی»، «دگرگونی خشونت آمیز» پدیده ای پایاتر است.** وی می افزاید که اگر چه «طغیان های اجتماعی و سیاسی تکان دهنده هستند، ولی در بسیاری موارد، غیر قابل اجتنابند. همچنین این طغیان ها، به قصد شتاب دادن به «پیشرفت»، اغلب در مراحل اولیه منجر به افزایش ویرانی می شوند.

**شتاب دادن به «پیشرفت»**

• خدوری جهان عرب را از جهت میزان پیشرفت آنها در مسیر اصلاحات اجتماعی مورد نظر خود، به سه گروه تقسیم می کند: «سنتی»، «در حال دگرگونی» و «جدید». وی پیدایش جامعه جدید را در حاشیه شرقی خاورمیانه- نخستین ناحیه ای که در معرض نفوذ غرب قرار گرفت- «بسیار محسوس» می داند. در مقابل، از جوامع سنتی در دورترین بخش هایی که به زحمت تحت نفوذ عرب قرار گرفته اند، یمن، عمان و عربستان را مثال می زند. به زعم نویسنده، «هسته جهان عرب» در ناحیه میانی بین این مناطق «عربی شده» و «سنتی» قرار دارد. وی این جوامع را که برای بررسی بسیر با اهمیت می دانند. جامعه های «در حال دگرگونی» می نامد.

**«سنتی»، «در حال دگرگونی» و «جدید».**

● در فصل های اول و دوم کتاب، همراه با ارائه سابقه ای اجمالی از جریان تکوین نظام های سیاسی در جوامع اسلامی و دلایل و نتایج تجزیه جامعه بزرگ جهانی اسلامی به واحدهای سرزمینی مختلف و ...چگونگی راه یافتن و عرضه برخی مفاهیم سیاسی غربی از قبیل «ناسیونالیسم» و «دموکراسی پارلمانی» در جوامع عرب به وسیله اصلاح طلبان، بررسی می شود. نویسنده نشان می دهد که چگونه این مفاهیم که پس از جنگ اول جهانی جایگزین باورها و نهادهای سنتی شدند، در نهایت، بی کفایتی خود را ظهور رسانیدند.

سابقه ای اجمالی از جریان تکوین نظام  
های سیاسی در جوامع اسلامی

• نویسنده در فصل سوم، به ظهور اصلاح طلبان و اندیشمندان مبلغ احیای فکری دینی می پردازد. وی برخی از این اندیشمندان را «اندرز دهندگان» فاقد یک برنامه سازنده می داند که بتواند «اصول عالی اسلام» را با «مفاهیمی که به تازگی از غرب اقتباس شده» بیامیزد. همچنین توجه می دهد که متفکران عرب، در آغاز می بایست با خطر فوری استعمار خارجی مقابله می کردند. از این رو، موضعی تدافعی و شامل مقابله با نویسندگان اروپایی که «وحدت اسلامی» را «جنبش ارتجاعی» می نامیدند اتخاذ کرده بودند که در نهایت جز توقف در موضع منفی تدافعی و انفعال نتیجه ای به بار نمی آورد.

ظهور اصلاح طلبان و اندیشمندان  
مبلغ احیای فکری دینی



• خدوری اظهار می دارد اگر «تکان مثبتی» که از سوی سید جمال الدین اسدآبادی بر جنبش اتحاد اسلام وارد آمد نبود، این وضع ادامه می یافت. وی تحلیل خاصی نیز از نظرات و اهداف سید جمال الدین ارائه می کند که قابل بحث است. در این فصل، علاوه بر سید جمال الدین، اندیشه های شیخ محمد عبده، محمد رشید رضا، حسن البنا و اخوان المسلمین نیز بررسی می شود.

سید جمال الدین اسدآبادی



حسن البنا

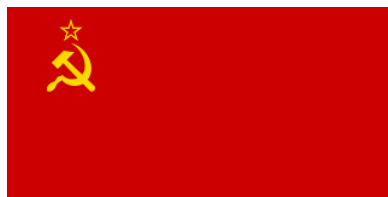


محمد رشيد رضا



محمد عبده

- فصل چهارم به بررسی تفکرات، سوسیالیستی و کمونیستی اندیشمندان عرب و محافل، تجمعات و احزاب پدید آمده اختصاص یافته است. در این فصل، همچنین به سیاست رژیم جدید التاسیس شوروی (به دنبال انقلاب کبیر) در قبال مسلمانان شرق و تغییر و تبدیل هایی که از آن هنگام تاکنون در این سیاست به وجود آمده توجه می شود.



• خدوری ورود کمونیسم به جهان عرب را به چند مرحله تقسیم می کند. **مرحله اول**، رخنه کمونیسم روسی، پس از انقلاب اکتبر، به کشورهای هم مرز شوروی است. **مرحله دوم**، «عقب نشینی کمونیسم از منطقه» است که دو دهه به درازا می کشد و نویسنده دلیل اول عقب نشینی را تشخیص رهبران شوروی نسبت به آماده نبودن کشورهای هم مرز آن برای پذیرش کمونیسم می داند. **سومین** مرحله - که خدوری آن را «ورود دوباره اتحاد شوروی به جهان اسلام» می داند- با حمله آلمان نازی به شوروی در ۱۹۴۱ و سپس اشغال مناطقی از شمال ایران به وسیله شوروی که «منطقه را برای تبلیغات کمونیستی پذیراتر کرد»-آغاز می شود.

**ورود کمونیسم به جهان عرب**



● **چهارمین مرحله**، به دنبال پیروزی ارتش سرخ بر آلمان نازی - که «احترام به رهبران کمونیست را بلا برد» - و با تحرک جدید گروه های کمونیست عرب شروع می شود. و مرحله پنجم، شامل وضعیت حاضر کمونیست های عرب است که استراتژی حرکت آنها نسبت به مرحله قبل دستخوش تغییرات مداومی شده است.

- در **فصل پنجم**، نویسنده نشان می دهد که چگونه فرمانروایان کشورهای عرب- که به دنبال کسب استقلال، نتوانستند به وظیفه انجام اصلاحات اجتماعی عمل کنند- خود را در برابر نسل جوانی یافتند که خواستار نفوذگذاری بر ایشان و عملی کردن اصلاحات مورد نظر بود. ناکامی «نسل جوان» مذکور در این راه، موجب طرح این مسئله شد که آیا اصلاحات اجتماعی از راه های دموکراتیک و مسالمت آمیز قادر است در «جامعه های سنتی» و «رو به رشد» عملی شود یا خیر.

- نسل جدید در پاسخ به این سوال، راه خود را تنها در برانگیختن یک «**انقلاب اجتماعی**» یافت. خدوری در این فصل که نام «**روندهای انقلابی**» بر آن نهاده است. به ویژه «انقلاب های نظامی» و قیام های «**افسران جوان**» عرب را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین تحلیل نقاط وت و ضعف تئوری و نحوه عملکرد این حرکت های انقلابی و سنجش دستاوردهای آنها، از مطالب این فصل کتاب است.

«**انقلاب های نظامی**» و قیام های  
«**افسران جوان**» عرب



جمال عبدالناصر

• **فصل ششم** به «سوسیالیسم عرب» اختصاص یافته است. در این بخش جالب کتاب، «سوسیالیسم بعث» به عنوان جریانی فکری با هدف در آمیختن سوسیالیسم و ناسیونالیسم عرب معرفی می شود. همچنین با تشریح «سوسیالیسم ناصری»- که نویسندگان آن را بیشتر یک «برنامه اسلامی» می داند تا رشته ای از اصول انتزاعی مبتنی بر تجربه مصر در مسائل رشد اجتماعی و اقتصادی- به بررسی نقاط اشتراک و تفاوت های آن با سوسیالیسم بحث و تجربه ناشی از ارتباط این دو پرداخته می شود. در این فصل، از دلایل و نتایج فراخوان جمال عبدالناصر، با عنوان «جنبش واحد عرب» نیز بحث می شود.

- خدوری در **آغاز فصل هفتم کتاب** می نویسد که ناسیونالیسم عرب، پیش از جنگ جهانی اول، به مشابه واکنشی در برابر فرمانروایان عثمانی پدیدار شد. ولی پس از پایان جنگ، شکست اعراب در دستیابی به استقلال و رشد احساسات ضد عربی ناشی از آن، «بر خصلت مثبت ناسیونالیسم اثر نهاد و به آن یک جهان بینی منفی بخشید». نویسنده اظهار می دارد که از پایان جنگ جهانی اول تا سال های ابتدایی دهه ۱۹۳۰، ناسیونالیسم عرب چیزی جز **«سخنرانی های فصیح و بیانیه های آتشین خواهان استقلال»** عرضه نکرد.

- پس از آن، تا جنگ جهانی دوم، ناسیونالیسم عرب زیر «نفوذهای ضد لیبرالی» و به ویژه «ایدئولوژی های فاشیستی» ، قرار گرفته و این واکنشی در برابر ناامیدهای مستمر اعراب در دستیابی به استقلال و وحدت ملی بود. خدوری می نویسد که تنها پس از جنگ جهانی دوم و پس از دستیابی بسیاری از کشورهای عرب به استقلال بود که «جهان بینی جدید ناسیونالیسم عرب» به ظهور رسید. این فصل از کتاب به بررسی «اندیشه های معاصر ناسیونالیسم» عرب اختصاص یافته است.

● **فصل هشتم** - که از بخش های بحث انگیز کتاب است - عنوان تفکر آزاد و دنیایی - کردن» را بر خود دارد. خدوری در این فصل اظهار می کند که «دنیایی کردن» در جامعه عرب به چهار شکل می تواند تجلی یابد. اتخاذ اقداماتی که در اصل با اسلام سازگاری ولی در اجزایی مانند «تناسب با شرایط موجود» با آن هماهنگ نیستند، اتخاذ اقداماتی که می تواند جایگزین برخی از جنبه های اسلام شوند و در نهایت جداسازی دین از دولت که نویسنده مهم ترین این اقدام را در القای خلافت عثمانی در ترکیه - به دنبال کسب قدرت توسط کمالیست ها - می داند.



• در این فصل اندیشه های افرادی چون علی و مصطفی عبدالرزاق، طه حسین، اسماعیل مظهر، گروه عصور و ... بررسی می شود. جالب این که این افراد طیف وسیعی از متفکران را شامل می شوند که برخی دارای عقاید مادی و بعضی صاحب نظرات اسلامی و اصلاح طلبی دینی بوده اند و نویسندگان اندیشه های تمامی آنها رد یک فصل مورد بررسی قرار داده است.

طه حسین



**فصل نهم** با عنوان «دموکراسی اجتماعی جدید» در واقع جمع بندی نویسنده از مطالب ذکر شده در کتاب و ارائه تحلیل وی از سیر تحولات جریان های سیاسی عرب و همچنین نگرش وی به آینده است. خدوری ناسیونالیسم را آن «**مفهوم بنیادینی**» می داند که همه متفکران عرب، از هر گرایش عقیدتی، بر آن اتفاق نظر دارند. وی جانشین شدن «**شکل غیر دینی ناسیونالیسم**» به جای «جریان های بومی» موجود در کشورهای عربی را ضروری می داند و پیش بینی می کند که همه رژیم های عرب، به تبعیت از ترکیه و البته با شدت و ضعف متفاوت، به سوی غیر دینی کردن نظام های سیاسی خود روی خواهند آورد.

• نویسنده دوباره معضل «شیوه انجام اصلاحات اجتماعی» را مطرح می‌سازد، بدین معنی که آیا این اصلاحات از «راه‌های دموکراتیک» امکان‌پذیر است و یا از طریق «دگرگونی انقلابی» وی اظهار می‌دارد که دوره به نسبت کوتاه تجربه اعراب از دموکراسی پارلمانی، آنها را متقاعد کرده است که این نظام در کل «رضایت‌بخش» نیست. از سوی دیگر، تجربه به کارگیری «روندهای انقلابی» نیز در کشورهای مصر، سوریه و عراق نشان‌دهنده این امر بود که این ابزارها، خود به هدف تبدیل شدند. به رغم این، متفکران عرب هنوز اعلام می‌دارند که «هدف نهایی دگرگونی انقلابی» دست یافتن به شکلی از دموکراسی است» که با رژیم‌های گذشته متفاوت است.

- خدوری در جمع بندی خود این واقعیت را بیان می کند که اغلب اعراب «آزادی» و «برابری» را همچون دو واژه جدایی ناپذیر به کار می برند، ولی اکثریت جامعه، از بین این دو، بیشتر متوجه برابری هستند. از این رو، نظامی که اصل برابری را با حداقل آزادی تامین می سازد، مقبولتر از نوع معکوس خواهد بود.

**دو واژه جدایی ناپذیر**

• در نهایت خدوری از آینده سخن می گوید: «در گذشته نزدیک عرب ها همیشه برای نوشداروی بیماریهای خود، به خارج نگر بسته اند. اما اینک شروع کرده اند به درون نگاه کنند، تا زمانی که از درون مطالعه نشوند- از لحاظ اجتماعی و اقتصادی به همان حد سیاسی- نخواهند توانست به شیوه سالمی زندگی کنند. پیامبر در یک دستور قرآنی به امتش گفت: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم». خدوری با توجه به آیه «و جعلناکم امه وسطا»، اظهار می دارد که پیامبر اسلام «با اشاره بر نوسان عرب از این به آن حد افراط، میانه روی را وعظ کرد.

میانه روی

- موضوع دیگر مورد بحث نویسندگان، احتمال ایجاد شکلی از اتحاد در میان کشورهای متعدد عربی است. وی می گوید که ناسیونالیست های عرب همواره معتقد بوده اند که عرب ها به شکل گونه ای از این اتحاد توانایند. نویسندگان در این قسمت از کتاب به بحث تاریخی مسئله، که قبلاً نیز راجع به آن سخن گفته بود، می پردازد که جالب توجه است.

• وی در بررسی خود به این نتیجه می‌رسد که ناسیونالیسم عرب، پس از «ویران کردن پایه جهانی جامعه مدنی اسلامی» نه تنها نتوانست نیروی متحد کننده ای را به وجود آورد، بلکه خود موجب پیدایش گروه های قومی متعدد در سرزمین های تقسیم شده عربی گردید. بعدها، تلاش شتابزده و بدون تعمق برخی از رهبران عرب برای دستیابی به وحدت نیز زیان بسیار به بار آورد. تجربه کوتاه مدت اتحاد سوریه و مصر نیز نتیجه این تلاش بوده است - گذشته از سایر دلایل ایجاد و شکست وحدت، همچنین «جامعه عرب» تشکیل شده نیز بیشتر عرصه «رقابت منطقه ای» شده است تا وسیله وحدت.

• در نهایت خدوری از طرحی برای وحدت عرب سخن به میان آورد که واقع بینانه از برنامه عبدالناصر به نظر نمی رسد. **وی قدم اول وحدت را در گروه بندی کشورهای عربی در چهار منطقه هلال بارور، شبه جزیره عربستان، دره نیل(مرکب از مصر، سودان و احتمالاً لیبی) و آفریقای شمالی می داند.** هر یک از یان مناطق باید به صورت یک اتحاد فدرالی درآیند و سپس هر «فدراسیون منطقه ای» به «کنفدراسیون بزرگی از چهار منطقه» بپیوندد.

• نویسنده در فصل بحث انگیز پایانی کتاب، برخی از مسائل عمده ای که اعراب با آنها درگیرند را مطرح می سازد- که مسلماً مهم ترین آنها، مساله فلسطین است. وی به درستی به این امر توجه می کند که پس از خاتمه اتسعمار غرب در جهان عرب، عرب ها خود را به شکل دیگری از مداخله غربیان رویاروی دیدند و آن برقراری «یک مجموعه سیاسی جدید در قلب جهان» و کاملاً بیگانه با آن محیط بود که در افرینش و حفظ آن، قدرت هایی غربی دخیلند.



• این مجموعه سیاسی توسعه طلب و زورگو همچنان به حیات خود ادامه می دهد ولی از سوی دیگر، علیرغم پیش بینی ها و انتظارات سازندگان آن، تاکنون (پس از ده ها سال) نتوانسته است پذیرش لازم را از سوی صاحبان اصلی سرزمین های غصب شده به دست آورد و به زندگی در امن و آسایش مطلوب خود دست یابد، خدوری به تاثیر دیگر اسراییل بر اعراب، به جز ایجاد حس تحقیرشدگی ، اشاره می کند و آن برانگیختن ایشان به دستیابی به پیشرفت علمی و فنی و رسیدن به سطح دشمن ساز ناپذیر خود است. وی همچنین این امکان را مطرح می سازد که اسراییل سرانجام به «عامل متحد کننده» اعراب بدل شود.

- علیرغم این مطالب نویسنده در بررسی چگونگی تشکیل رژیم اسراییل در نهایت این رای حیرت انگیز را صادر می کند که «با این حال، نه یهودیان قصد صدمه زدن بر عرب ها را داشتند و نه قدرت های غربی!» **همچنین برخی از نظرات نویسنده با توجه به وقایع ۱۷ سال اخیر ، نیاز به تجدید نظر اساسی دارد.**

## توضیح

• از آن جا که این نوشته در حد امکان سعی داشته است معرفی قابل قبولی از **کتاب «گرایش های سیاسی در جهان عرب»** ارائه دهد، بحث و نقد آرای عرضه شده در کتاب و نظرات مولف آن، محتاج به نوشته صاحب نظران و محققانی است که به این کار همت گمارند. همچنین آنچه که در صفحات گذشته عرضه شد، تنها گزینه ای را مطالب و موضوعات بسیار کتاب است و برای اطلاع بیشتر باید به برگردان سلیس و عالمانه مترجم محترم آن رجوع کرد.

• مجید رهبانی